

آوازی باد و باران

گزیده اشعار: اسماعیل بهرامی قهنویه

خط: استاد مرتضی صدقی

ترکیب خط: استاد پرویز شفیعی

استاد صادق زمانی

استاد مرتضی صدقی

مقدمه: دکتر غلام محمد طاهری مبارکه

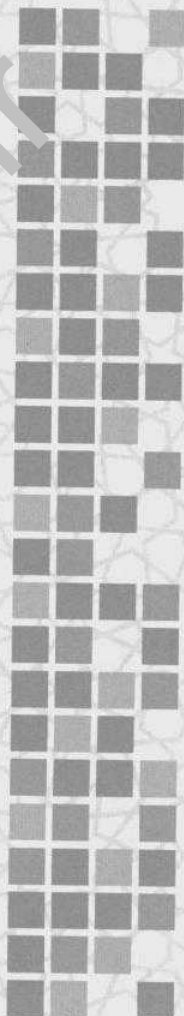
کتابت مقدمه: استاد صادق زمانی

طراحی و صفحه آرایی: سینا رسول موسویان

طرح جلد: کیومرث سعیدی

فهرست اشعار

۹	درد جدایی
۱۲	شاخه های شکسته
۱۷	رثای مدینه
۲۰	تار خود را
۲۴	شعر سر آغاز
۲۶	کسی امروز می آید
۲۹	پگاه
۳۷	روزی که دست به خورشید می رسید
۴۳	بوسه ی مهتاب
۴۶	در کوچه باغ حکایات دل پذیر
۵۳	آتش
۵۶	آبی
۶۲	گاهی دلم برای خودم تنگ می شود
۶۶	گندمزار
۶۸	سوگند
۷۱	تهمت بودن
۷۵	گیسوفشان
۷۷	قیل و قال
۷۹	فقط زمستان بود
۸۱	آفرینش



مقدمه

شاعران به دستی امیران کلام گفته اند چه آنان شکارگرِ لحظه‌های نابِ احساس اند و این همان چینی‌ای است که در دیگران فروخته، همواره دست رفته و در تاراج زمانه فراموش شده است.

بیان احساسات و دنیای ویران‌گرایی است و در خور با توانمندی‌های شگفت‌انگیز شاعرانه و هنرمندانه‌ی طلبیدنی‌هاست که می‌گوید که دیگر می‌نمی‌تواند و نمی‌تواند به راستی که شعری خود زندگی است و شعر به شاعر زندگی و وجود شورانگیز شاعرانه است که می‌تواند انسان پریشان‌دل را به یاد آورد و بگوید: امروز را این چنین سپین امیدوارانه به زندگی فرامی‌خواهد.

«بیاد باور گل‌ها شود در نسیم زندگی باش»

«چشم‌ها را و اکثراً با بیهوشی که جهانی آبی است»

آری باشعراست که می توان زندگی را تحمل پذیرتر کرد، اگرچه در فاسوی
خیال شاعرانه باشد چه نیاست آن لحظه ای که تخیل را تا مرزهای پند
وامی نسیم تابیا نکر آن چیزی باشد که هرگز در واقعیت نمی توانستیم آن
رناوان ادبیش من و تو بهستی را نیز به گونه ای خیال انگیز به تصویر کش
از شب که خداستاره می بخت

رتاب افروش خود

آب و گل ما دوباره می خیزد

از قامت من نیازی ست

وز چشم تو نیز نیازی ست...

وز چشم تو استعاره می بخت...



سخن کوتاه، دفتر پیاروی شما، قطره‌ای است از دریای ذوق و هنر بکا
ادبی ام ابراهیم بهرامی که نشان از آینه‌های درخشان در پهنه‌ی فسیحان
فنون روز بوم دارد. برای این دوست نمیشین سالیانم آرزوی بهتری
و کامیابی فزون‌تر دارم.

عالم محمد - طلوعی بکا

۱۳۶۶

